

بررسی میزان تمایل جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر شیراز به همسان‌همسری و عوامل مرتبط با آن

مهسا نوری^۱، علی یاراحمدی^۲

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۸/۲۲، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۴/۱۵)

چکیده

انتخاب همسر یکی از مهم‌ترین تصمیم‌هایی است که هر فرد در طول زندگی می‌گیرد. یکی از معیارهای گزینش همسر موضوع همسان‌گزینی است که ممکن است از دیدگاه سنی، تحصیلی، اجتماعی، و فرهنگی در کانون توجه قرار گیرد. در پژوهش حاضر، میزان تمایل جوانان به همسان‌همسری و عوامل مرتبط با آن بررسی می‌شود. در این پژوهش، ۳۸۴ نفر از جوانان شهر شیراز، به شیوه پیمایشی و با کمک پرسش‌نامه، هدف مطالعه قرار گرفته‌اند. متغیر وابسته در این تحقیق همسان‌همسری است که از طریق طیفی از همسان‌همسری تا ناهمسان‌همسری سنجیده شده است. از این‌رو، افرادی که در این طیف نمره بالاتری گرفته‌اند، تمایل بیشتری به همسان‌همسری در ازدواج دارند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که رابطه میزان مطالعه، تمایل به برابری نقش‌های جنسیتی، نوع شغل و میزان درآمد با میزان همسان‌همسری جوانان رابطه معنادار دارد. نتایج حاصل از تحلیل چندمتغیره نشان داد که مرد بودن، تأهل و برخورداری از برابرخوایی جنسیتی بیشترین تأثیر را بر تمایل به همسان‌همسری دارند. به‌طور کلی، با توجه به یافته‌ها، می‌توان گفت افراد متمایل به برابری نقش‌های جنسیتی، زنان و مجردها تمایل بیشتری به ناهمسان‌همسری دارند.

واژگان کلیدی: خانواده، همسان‌همسری، ازدواج، جوانان.

۱. کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز
۲. دانشیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)
yarahmadi@shirazu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

فرد بیش از هر نهاد دیگر با نهاد خانواده پیوند دارد: در خانواده متولد و در آن تربیت می‌شود و سرانجام، خود نیز خانواده تکلیل می‌دهد. نیاز به برقراری رابطه‌ای صمیمی و توأم با عشق و محبت از مهم‌ترین دلایلی است که هر زن و مردی را به سمت ازدواج سوق می‌دهد. تشکیل خانواده یا، به عبارت دیگر، انتخاب همسر، یکی از مهم‌ترین تصمیم‌های هر فرد در طول زندگی است، به گونه‌ای که فردی که به‌منزله همسر انتخاب می‌شود، تأثیر زیادی بر سبک زندگی، نوع تجربیات و احساس خوشبختی شخص در طول زندگی دارد.

اگر ازدواج مبتنی بر معیارهای معقول و صحیح صورت گیرد، تا حدی می‌توان مطمئن بود که شالوده استواری برای خانواده و تربیت فرزندان بنا شده است. اما، چنانچه احساسات و تمایلات زودگذر و ملاک‌های مادی و ظاهری و شاخص‌های واهی پایه ازدواج باشد، در وحدت و انسجام خانواده و تربیت فرزندان و بهداشت روانی آنها خلل ایجاد می‌شود (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰).

یکی از ملاک‌های گزینش همسر، که به آن توجه زیادی شده است، همسویی و همسانی همسران است، تاجایی که اغلب در صورت نبود همسانی، به‌خصوص در زمینه مسائل اعتقادی و اخلاقی، ازدواج صورت نمی‌گیرد یا، در صورت وقوع، صحیح تلقی نمی‌شود (زارعی و عبداللهی، ۱۳۸۷). اصطلاح همسان‌همسری به معنای گزینش همسر از میان کسانی است که تشابه یا سنخیت بیشتری با فرد دارند. می‌توان گفت همسان‌همسری به معنای وصلت کردن زن و مرد با ملاک بیشترین وجه تشابه به یکدیگر است. تفاوت‌های موجود در نگرش‌ها، اعتقادات و انتظارات همسران ممکن است باعث اختلاف در تصمیم‌گیری‌ها شود. این نوع اختلاف‌ها در رابطه می‌تواند باعث تعارض شود.

همسان‌همسری نظریه‌ای مقبول روان‌شناسان در همسرگزینی است. همسانی دینی در میان جنبه‌های دیگر همسانی مهم‌تر است. از طرف دیگر، کفو بودن به لحاظ فقهی تا حد زیادی با مفهوم همسان‌همسری نزد روان‌شناسان هم‌خوانی دارد و فقه ازدواج را در صورت برآورده نشدن شرط کفو بودن دینی منع کرده است. مقایسه نظریه‌های روان‌شناختی و مفهوم کفایت فقهی نشان می‌دهد که مطالعات روان‌شناسان نیز اهمیت کفو بودن، مخصوصاً به لحاظ ایمانی، را تأیید کرده است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳).

برای تشکیل خانواده‌ای سالم و بادوام، هرکس باید قبل از ازدواج از خود بپرسد که طبق چه ملاک‌هایی می‌خواهد همسر آینده خود را انتخاب کند و این ملاک‌ها تا چه میزان اساسی یا غیراساسی، استوار یا بی‌ثبات و اصیل یا تصنعی هستند. همچنین، باید مشخص شود که

ملاک‌های فرد برای ازدواج تا چه میزان مستقل است و چقدر به گرایش‌ها و تحمیل دیگران وابسته است، آرمان‌های فرد در زندگی چیست و به دنبال چه اهدافی خانواده تشکیل می‌دهد. در این مقاله به منظور پاسخگویی به مقتضیات روز فرهنگی و اجتماعی کشور در زمینه ازدواج، عوامل مؤثر بر تمایل جوانان به همسان‌همسری مطالعه می‌شود. تا امروز، در تحقیقات اندکی به صورت جامع عوامل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر همسان‌همسری بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

آزادیان و فتحی (۱۳۹۵) در مطالعه خود با عنوان «بررسی همسان‌همسری در بین زوجین تهرانی و تأثیر آن بر رضایتمندی از زندگی زناشویی» نشان دادند که بیشترین میزان همسان‌همسری، به ترتیب، از نظر سنی، تحصیلی، درآمدی و شغلی بوده است. رابطه میزان‌های همسانی نیز با رضایت زناشویی معنادار به دست آمده است.

شفیعی‌ماسوله و همکاران (۱۳۹۴) در «مطالعه عوامل تعیین‌کننده همسان‌همسری سنی و تحصیلی زوجین در شهر یزد» نشان دادند که همسران به همسانی سنی و تحصیلی در گزینش همسر تمایل زیادی دارند. میزان همسان‌همسری سنی با سن ازدواج، درآمد خانواده و میزان استفاده از رسانه‌ها رابطه معکوس و با تحصیلات و منزلت شغلی خانواده رابطه مستقیم دارد. از طرفی، میزان همسان‌همسری تحصیلی با تحصیلات رابطه مثبت و با سن ازدواج، درآمد و میزان استفاده از رسانه‌ها رابطه معکوس دارد.

هاشمی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «همسان‌همسری از دیدگاه روان‌شناسی و مقایسه آن با مفهوم کفویت در فقه»، اهمیت همسانی اعتقادی همسران را بررسی کرده و هم‌خوانی این موضوع را با نظریات روان‌شناسی در نظر گرفته‌اند.

سالاری و همکاران (۱۳۹۲) در «بررسی رابطه فرهنگ مردسالاری و همسان‌همسری با تعارضات زناشویی در بین دبیران و پرستاران زن متأهل» نشان دادند که از بین متغیرهای فرهنگی، مردسالاری و همسان‌همسری، متغیر همسان‌همسری پیش‌بینی‌کننده معناداری برای تعارضات زناشویی است و همسان‌همسری با نمره کل تعارضات زناشویی رابطه معکوس و معناداری دارد؛ یعنی هرچه همسانی همسران بیشتر باشد، تعارض آنها کمتر و هرچه همسانی کمتر باشد، تعارض بیشتر است. بین نمره کل متغیر همسان‌همسری با ابعاد کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی و کاهش رابطه با خویشاوندان همسر نیز رابطه منفی معنادار وجود داشت.

رجبی و همکاران (۱۳۹۲) در «بررسی و مقایسه نظریه همسان‌همسری براساس ویژگی‌های شخصیتی در بین دانشجویان دانشگاه پیام‌نور ساری» به این نتیجه رسیدند که افراد تمایل دارند شریکشان را مشابه با ویژگی‌های شخصیتی خود و با توجه به پنج بعد شخصیتی (روان‌رنجورخویی، برون‌گرایی، بازبودن، توافق‌پذیری و وجدانی‌بودن) انتخاب کنند. قادری و مردانی (۱۳۹۲) در «بررسی رابطه همسان‌همسری و مطلوبیت روابط زناشویی»، همسان‌همسری سنی، تحصیلی، قومی، مذهبی، طبقاتی، درآمدی، و باورهای جنسیتی را بررسی کردند. نتایج نشان داد که فرضیه همسان‌همسری (به‌صورت عام) با مطلوب‌بودن رابطه زناشویی رابطه مثبت و معنی‌دار دارد.

لهسایی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی «همسان‌همسری و رفتار مرتبط با طلاق» پرداختند. وضعیت اشتغال زن، قومیت زن، تشابه قومیتی همسران، ساخت بازاری ازدواج، تشابه محل سکونت پدر همسران و اعتیاد شوهر بر تصمیم زن برای طلاق مؤثرند. اسکافی (۱۳۸۰) در «بررسی عوامل مؤثر بر نگرش افراد متأهل به همسان‌همسری، مورد مطالعه شهر شیراز» به این نتیجه رسید که مدت ازدواج، میزان رضایت کلی از زندگی زناشویی، تقدیرگرایی، منابع اطلاعاتی همسران، فاصله سنی، میزان همکاری مرد در خانه، نحوه تربیت فرزندان، درآمد ماهیانه خانوار و میزان آگاهی همسران از حقوق یکدیگر بر نگرش افراد متأهل به همسان‌همسری تأثیر می‌گذارد.

حسین‌خانی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با عنوان «معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام» به بررسی معیارهای انتخاب همسر از دیدگاه اسلام در شش دسته دین‌داری و ایمان، ارزش‌های اخلاقی، خصوصیات جسمی، صلاحیت خانوادگی، خصوصیات اقتصادی و ویژگی‌های اجتماعی پرداخته است. در اسلام، بر اصل همسان‌همسری به‌منزله معیار همسرگزینی و ضامن انسجام خانواده، ذیل عنوان "کفویت"، تأکید شده است. برخورد ایجابی با برخی جنبه‌های همسان‌همسری و برخورد سلبی با جنبه‌های دیگر (همسانی قومی، نژادی و طبقاتی) نشان‌دهنده کوشش اسلام در جهت تغییر نگرش‌های فرهنگی به موضوع همسان‌همسری است. موسوی (۱۳۸۳) در مطالعه‌ای با عنوان «تحصیلات عالی، موازنه جنسی و ازدواج» تأثیر تحصیلات عالی را بر موازنه جنسی در ازدواج بررسی کرده است. در صورتی که زنان بخواهند با مردانی ازدواج کنند که از نظر تحصیلی در سطحی بالاتر از خود باشند، دچار مضیقه ازدواج خواهند شد، چنانچه این دختران بخواهند با مردانی ازدواج کنند که علاوه بر تحصیل، از نظر سنی نیز بزرگ‌تر باشند، این مسئله تشدید خواهد شد. هرچند این مسئله بیشتر مشمول دانشجویان زن مقطع کارشناسی می‌شود؛ زیرا اکثر دانشجویان در این مقطع تحصیل می‌کنند.

عزیزی (۱۳۷۷) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی دختران تحصیل‌کرده شاغل بر نگرش آنها در مورد همسان‌همسری شهر شیراز» نشان داد که شاخص‌های پایگاه اقتصادی- اجتماعی پاسخگویان (میزان سواد، درآمد و منزلت شغلی) با نگرش آنها درباب همسان‌همسری رابطه معناداری داشته است. اما با افزایش سن، نمره همسان‌همسری آنها کاهش می‌یابد؛ به این معنا که تمایل به همسان‌همسری با افزایش سن کمتر می‌شود.

آلندورف^۱ (۲۰۱۷) در مطالعه خود، با استفاده از نظریه ایده‌آلیسم توسعه، به بررسی تضاد و هم‌نوایی همسران پرداخته است. مطالعه او نشان داد که انتخاب همسر برپایه عشق یکی از عامل‌های مهمی است که باعث می‌شود که هم‌نوایی در انتخاب همسر تحت‌الشعاع قرار گیرد. در مقایسه مردان و زنان، این ویژگی که معیارهای متکی بر عشق در انتخاب همسر تعیین‌کننده باشد، در مردان بیشتر است.

ساگینو^۲ و همکاران (۲۰۱۶) نیز در مطالعه‌ای درباره همسانی همسران و رضایت زناشویی، به بررسی تأثیر میزان همسانی بر احتمال طلاق پرداختند و نشان دادند همسرانی که در آزمون همسانی نمره بالاتری به دست آورده‌اند، رضایت زناشویی و جذابیت شخصی بیشتری نشان داده‌اند.

مانپا^۳ و جالورا^۴ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای با عنوان «تأثیرات همسان‌همسری اجتماعی- اقتصادی و تحصیلی بر گذار از هم‌خانگی به ازدواج» با بررسی بیست‌هزار زوج هم‌خانه فنلاندی با استفاده از داده‌های ثبتی به این نتیجه رسیدند که همسان‌همسری فقط در میان افرادی که خانواده‌هایی با زمینه کشاورزی دارند تشویق می‌شود. همسان‌همسری تحصیلی میزان ازدواج افراد با تحصیلات پایین را افزایش و میزان ازدواج افراد تحصیل‌کرده را کاهش می‌دهد.

مو^۵ و زای^۶ (۲۰۱۴) در مطالعه‌ای با عنوان «همسان‌همسری سنی در چین: تحولی در دوره اصلاحات»، با استفاده از درصد داده‌های ۱۹۶۰-۲۰۰۵، نشان دادند که به دلیل افزایش فشار اقتصادی، افزایش مصرف‌گرایی و شکاف جنسیتی در آموزش و پرورش، پس از ۱۹۹۰، زنان تمایل بیشتری به ازدواج با مردان مسن‌تر و متمول‌تر دارند.

1. Allendorf
2. Saggino
3. Mäenpää
4. Jalovaara
5. Mu
6. Xie

در بیشتر مطالعات انجام‌شده، همسان‌همسری متغیر مستقلی است که به‌ویژه در ابعاد روان‌شناختی، با رضایت از زندگی و تعارضات زناشویی ارتباط دارد. مطالعات انجام‌شده در ایران مؤید آن است که هرچه همسران در زمینه‌های مختلف شبیه و یکسان باشند، قدرت درک و همدلی بیشتری با همدیگر خواهند داشت و در نتیجه تعارض زناشویی کاهش می‌یابد. هدف مطالعه حاضر، تبیین خود موضوع همسان‌همسری است که ارتباطش با متغیرهای اجتماعی-فرهنگی متعددی از جمله قومیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، نگرش مذهبی و نگرش به نقش‌های جنسیتی مطالعه می‌شود.

مبانی نظری

در *دایرةالمعارف علوم/اجتماعی* "همسان‌همسری" یا "همسان‌گزینی" در برابر "ناهمسان همسری" به‌معنای گزینش همسر از میان آنانی است که تشابه و سنخیت بیشتری با فرد دارند (ساروخانی، ۱۳۷۵). از حامیان این دیدگاه می‌توان از کیل^۱، سنترز^۲، ویلیان^۳، باورمن^۴ و برگس^۵ نام برد.

نظریه همسان‌همسری در ازدواج، استحکام خانواده را ناشی از وجود ویژگی‌های همسان میان زن و شوهر می‌داند. همسانی میان دو نفر، نه تنها باعث جذب آنها به‌سوی یکدیگر جذب می‌شود، بلکه پیوند ایشان را استوار می‌کند. باورمن می‌گوید انسان دانسته یا ندانسته در پی گزینش همسری است که صفاتی هم‌گون با او داشته باشد. افراد در تمام سنین در میدانی فراخ‌تر از آنکه تصادف بتواند بر آن تأثیرگذار باشد، با کسانی وصلت می‌کنند که از نظر موقعیت زناشویی همانند خودشان باشند (ساروخانی، ۱۳۷۵).

همسان‌همسری سازوکاری است که به حفظ وضع موجود کمک می‌کند و ارزش‌ها و عقاید سنتی را حفظ می‌کند. از آنجاکه خود ازدواج نهادی حیاتی است، فهم اینکه چرا بسیاری از ویژگی‌های اجتماعی مانند نژاد، دین و طبقه، که به‌طور کلی متغیرهای مهمی در جامعه

1. Kill
2. Centers
3. Willian
4. Bowerman
5. Bargess

محسوب می‌شوند، در انتخاب همسر نیز مهم‌اند، دشوار نیست (گرینبلات،^۱ ۱۹۹۷، به نقل از هاشمی و همکاران، ۱۳۹۳).

اشکال متفاوتی می‌توان برای همسان‌همسری برشمرد؛ همسان‌همسری جغرافیایی که مبتنی بر مجاورت و نزدیکی جغرافیایی است. دو نوع مجاورت را می‌توان از یکدیگر تمییز داد: الف) مجاورت سکنايي: جیمز بوسارد معتقد است که تمایل افراد به انتخاب همسر از میان کسانی که به‌لحاظ جغرافیایی در نزدیکی آنها زندگی می‌کنند بیشتر است. مجاورت سازمانی: حضور در دانشکده، دانشگاه، اداره، شرکت و هر جای دیگر که اعضای سازمان در تماس مستمر با همدیگر باشند ممکن است نهایتاً به ازدواج منجر شود. خلاصه اینکه مفروض اصلی نظریه هم‌جواری این است که فاصله مکانی از این جهت بر انتخاب همسر تأثیر می‌گذارد که امکان آشنایی و دیدار افراد را فراهم می‌کند. از سوی دیگر، احتمالاً قرابت مکانی معرف تشابه طبقاتی هم هست؛ زیرا آنها که نزدیک هم زندگی می‌کنند ممکن است از یک طبقه باشند (ساروخانی، ۱۳۷۵).

در نظریه مبادله نیز اهمیت ویژگی‌های افراد در ازدواج مهم است. نظریه مبادله به این مطلب اشاره می‌کند که انسان‌ها در روابطشان با یکدیگر در پی دریافت سود هستند و مایل‌اند رفتارشان از جمله روابط دوستانه، صمیمی و عاشقانه آنان سود و بازده برابر داشته باشد (کلی،^۲ ۱۹۷۹). همسان‌همسری طبقاتی نیز درخور توجه است. درون‌همسری طبقاتی نه تنها سهم بزرگی در فرآیند انتخاب همسر دارد، بلکه ممکن است به تبیین دیگر اشکال ازدواج نیز کمک کند. برای مثال، یکی از دلایل اینکه دو طرف ازدواج، یا نامزدها، ارزش‌ها و عقاید یکسان بسیاری دارند بدون شک این است که از زمینه اجتماعی یکسانی برخاسته‌اند (گرینبلات، ۱۹۷۷).

همسان‌همسری تحصیلی نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تحصیلات معمولاً همچون شاخصی در نوع فرهنگ، اندیشه و جهان‌بینی انسان‌هاست. پس، سنخیت تحصیلی به معنای تشابه دیدگاه‌ها نیز هست (ساروخانی، ۱۳۷۵). معمولاً، تفاهمی که افراد در برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و فهم متقابل کلامی دارند، ارتباط مستقیمی با میزان تحصیلاتشان دارد (ساروخانی، ۱۳۷۰). سن یکی دیگر از عوامل محدودکننده دایره همسرگزینی است. به‌گفته کارلسون، انتظارات و شیوه‌های نگرشی اشخاص در سنین مختلف فرق می‌کند و افرادی که سن متفاوت دارند فرهنگ و اندیشه‌هایشان نیز تفاوت دارد. تفاوت وسیع سنی با خود تفاوت‌های فرهنگی و جهان‌بینی را به‌همراه خواهد آورد (ساروخانی، ۱۳۷۰).

1. Greenblat

2. Kelly

نظریه «نیازهای مکمل» رابرت اف وینچ^۱ (۱۹۵۵) نیز نظریه مشهوری درباب ناهمسان‌همسری است. فرضیه اصلی این است که درباب همسرگزینی، الگوی احتیاجات هر همسر، متمم و مکمل الگوی احتیاجات همسر دیگر است نه مشابه آن. نظریه نیازهای مکمل که بر چنین فرضی استوار است، دربرابر نظریه همسان‌همسری قرار می‌گیرد که علاوه بر وینچ، «کتسان» نیز از طرفداران مهم آن است. در مجموع، آنها معتقدند این نه شباهت و همسانی، بلکه بی‌شباهتی و ناهمسانی و به‌ویژه صفات تکمیل‌کننده است که افراد را به وصلت با یکدیگر وامی‌دارد (ساروخانی، ۱۳۷۵).

در تبیین تغییرات رخ داده در الگوهای تشکیل خانواده، نظریه هم‌گرایی خانواده^۲ نیز یکی از رایج‌ترین و پرکاربردترین تبیین‌های ساختاری^۳ تحولات نهاد ازدواج و خانواده است (عسکری‌ندوشن و همکاران، ۱۳۸۸؛ عباسی‌شوازی و صادقی، ۱۳۸۴؛ صادقی و همکاران، ۱۳۸۶). ویلیام گود در قالب این نظریه، با مطرح کردن انگاره انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، معتقد است که فرآیند جهانی نوسازی، صنعتی‌شدن و شهرنشینی موجب تغییر در ساختار سنتی خانواده و توسعه خانواده‌های جدید از نوع اروپایی در سراسر جهان شده است. در این فرآیند، نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی تغییر کرده و الزامات دوجانبه میان زوجها و شبکه خویشاوندی وجود ندارد. نومکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دوجانبه بین آنها از نتایج سازگاری خانواده با زندگی مدرن است و زمانی که چنین خانواده‌ای شکل می‌گیرد و زنان نقش بیشتری در فعالیت‌های خارج از خانه می‌یابند، باید انتظار تغییر الگوهای ازدواج را داشته باشیم (کنعانی، ۱۳۸۵).

در مطالعه حاضر، انجام کار و عملیاتی‌کردن سازه برپایه نظریه همسان‌همسری صورت گرفته است. از طرف دیگر، نظریه هم‌گرایی خانواده پایه مباحث تبیینی مطالعه است. از آنجاکه فرآیند مدرنیزاسیون، سبب تجدید ساختار جوامع از طریق صنعتی‌شدن، شهرنشینی، افزایش آموزش، گسترش رسانه‌های گروهی، توسعه حمل‌ونقل، ارتباطات و... می‌شود، الگوها و عناصر سنتی ازدواج و خانواده در جوامع کمتر توسعه‌یافته، سرانجام به سمت الگوی جهان‌شمول خانواده مدرن غرب با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سن بالا، باروری اندک و برابری جنسیتی پیش خواهد رفت. گسترش ناهمسان‌همسری برپایه این نظریه اجتناب‌ناپذیر است و با توسعه جوامع افزایش پیدا می‌کند.

1. Winch, R. F
2. Family Convergence
3. Structural Convergence

روش پژوهش

رویکرد مطالعه حاضر کمی و روش کار پیمایش است. جامعه آماری تحقیق را جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر شیراز تشکیل داده‌اند. حجم نمونه طبق فرمول کوکران با دقت ۹۵ درصد و احتمال خطای نمونه‌گیری ۵ درصد، ۳۸۴ نفر برآورد شد. برای انتخاب نمونه از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد، بدین‌صورت که ابتدا با استفاده از چارچوب نمونه‌گیری موجود، در مناطق ده‌گانه شهر شیراز، از ۴۴۶ حوزه، ۱۵ حوزه انتخاب شد و سپس، در هر حوزه خانوارها به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. درنهایت، خانوارهایی که جوان ۱۸ تا ۳۰ ساله داشتند انتخاب شدند و با استفاده از پرسش‌نامه، اطلاعات افراد اخذ شد. از پرسش‌نامه به‌منزله ابزار جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. روند نهایی‌شدن پرسش‌نامه بدین‌صورت انجام گرفت که ابتدا در مطالعه‌ای مقدماتی، ۳۰ نفر از اعضای جامعه آماری پیش‌آزمون شدند و مسائل تحقیق، به‌ویژه محتوای پرسش‌نامه، تحت بررسی قرار گرفت. برطبق نتایج حاصل از پیش‌آزمون، پرسش‌نامه بازبینی شد: برخی گویه‌ها حذف و نحوه طرح برخی از سؤالات اصلاح شد. پایایی پرسش‌نامه نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ برای بررسی هم‌بستگی درونی گویه‌ها هدف سنجش قرار گرفت که همه متغیرها از آلفای بالای ۰/۷ برخوردار بودند.

متغیر وابسته تحقیق نگرش به همسان‌همسری است که به‌وسیله طیفی از تمایل به همسان‌همسری تا تمایل به ناهمسان‌همسری سنجیده شده است. در این تحقیق، افرادی که در این طیف نمره بالاتری گرفته‌اند نگرش مثبت‌تری به همسان‌همسری در ازدواج داشته‌اند. همسانی در موقعیت اقتصادی، میزان تحصیلات، موقعیت اجتماعی و خانوادگی، همسانی سنی، همسانی در پای‌بندی به اصول مذهبی و موقعیت جغرافیایی به‌مثابه شاخص‌های همسان‌همسری مشخص شده است.

نوع نگرش به نقش‌های جنسیتی از جمله متغیرهای مستقل این تحقیق و به‌معنای دیدگاه فرد به نقش مناسب زن و مرد در اجتماع و توانایی‌های آنان است که در پیوستاری از دیدگاه سنتی تا مدرن، به‌وسیله گویه‌هایی از قبیل وظیفه زن در جلب رضایت شوهر، مناسب‌نبودن برخی از شغل‌ها برای زنان، توانایی فکری بیشتر مردان، ریاست مرد بر خانواده، اشتغال زنان، مشارکت در تأمین مخارج خانواده و...، به‌صورت طیف لیکرت پنج‌گزینه‌ای سنجیده شده است. نگرش مذهبی نیز یکی دیگر از متغیرهای مستقل تحقیق بوده است که در زمره متغیرهای اجتماعی و فرهنگی تحت تجزیه و تحلیل قرار گرفته و مبین درجه اعتقادات فرد به باورهای مذهبی است. این متغیر در طیف لیکرت و با پنج‌گویه سنجیده شده است.

میزان تمایل به ازدواج برای سنجش میزان اهمیت ازدواج کردن نزد پاسخگویان در یک طیف منفی تا مثبت بررسی شده است. منظور از میزان مطالعه در این تحقیق مدت زمانی است که پاسخگو در طول یک هفته صرف خواندن کتاب، مجله و روزنامه می‌کند. این متغیر در سطح ترتیبی و در پنج طبقه (اصلاً، کمتر از یک ساعت، یک تا دو ساعت، سه تا چهار ساعت و بیش از چهار ساعت) سنجیده شده است. یکی دیگر از متغیرهای اجتماعی و فرهنگی تحقیق حاضر عضویت در شبکه‌های اجتماعی و میزان استفاده از اینترنت بوده است که با معیار عضو بودن یا نبودن در شبکه‌ها و تعداد ساعت‌ها و دقایق حضور در اینترنت سنجیده شده است. جنسیت، قومیت، تحصیلات، طبقه اجتماعی، درآمد، وضعیت اشتغال و بعد خانوار نیز از دیگر متغیرهای مستقل این تحقیق بوده‌اند که تأثیر آنها بر تمایل به همسان‌همسری بررسی شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی در بررسی ویژگی‌های جمعیتی نمونه نشان داد که ۴۳/۴ درصد از پاسخگویان در گروه سنی ۲۱ تا ۲۵ سال قرار دارند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۴ سال است. ۸۰ درصد جوانان بررسی شده مجرد و ۲۰ درصد متأهل بودند. ۶۶/۹ درصد پاسخگویان را زنان و ۳۳/۱ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. بیشترین درصد پاسخگویان (۸۶ درصد) فارس و مابقی افراد به ترتیب متعلق به قومیت لر، ترک و عرب‌اند. ۸۰ درصد از پاسخگویان در خانوارهای چهارنفره و کمتر زندگی می‌کنند.

درباب ویژگی‌های اقتصادی نمونه می‌توان گفت، در مجموع، ۵۲ درصد از خانواده‌های جوانان، درآمدی بین ۶۰۰ هزار تا دوونیم میلیون تومان در ماه داشته‌اند که البته، بیشترین گروه با ۲۱/۱ درصد دارای درآمدی مابین یک میلیون تا یکونیم میلیون بوده است. بررسی وضعیت فعالیت پاسخگویان نشان می‌دهد که ۳۷/۸ درصد از جوانان دانشجوی، ۱۵/۱ درصد بی‌کار، ۸/۶ درصد خانه‌دار، ۱۳/۳ درصد دارای شغل خصوصی و در مجموع ۱۷ درصد دارای شغل دولتی و آزاد هستند؛ بنابراین، فقط ۳۰/۳ درصد از پاسخگویان شاغل و ۶۹/۷ درصد غیرشاغل بوده‌اند.

جدول ۱. توصیف فراوانی و درصد برخی متغیرهای مستقل و وابسته پاسخگویان

ویژگی‌های نمونه	فراوانی	درصد	ویژگی‌های نمونه	فراوانی	درصد
سن			تحصیلات پاسخگو		
۲۰-۱۸	۹۵	۲۴/۷	پایین‌تر از کارشناسی	۱۵۲	۶۰/۴
۲۵-۲۱	۱۶۶	۴۳/۴	کارشناسی و بالاتر	۲۳۲	۳۹/۶

مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره دوازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷

درصد	فراوانی	ویژگی‌های نمونه	درصد	فراوانی	ویژگی‌های نمونه
			۳۲	۱۲۳	۳۰-۲۶
		نگرش به نقش‌های جنسیتی			وضعیت تأهل
۶/۴	۲۴	سنتی		۳۰۶	مجرد
۳۸/۹	۱۴۶	بینابین		۷۸	متاهل
۵۴/۷	۲۰۵	مدرن			
		نگرش به ازدواج			عضویت در شبکه‌های اجتماعی
۱۸/۸	۷۰	نگرش مثبت	۸۰/۷	۳۱۰	بله
۶۶/۸	۲۵۰	نگرش بینابین	۱۹/۳	۷۴	خیر
۱۴/۴	۵۴	نگر منفی			
		نگرش به همسان‌همسری			طبقه اجتماعی خودگزارش شده
۲۲/۹	۸۰	مثبت	۵/۷	۲۲	بالا
۶۰/۵	۲۱۱	بینابین	۷۶/۸	۲۹۵	متوسط روبه‌بالا
۱۶/۶	۵۸	منفی	۱۶/۱	۶۲	متوسط روبه‌پایین
			۱/۳	۵	پایین

بررسی ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی نمونه نشان داد که ۶۰/۵ درصد پاسخگویان تحصیلات کارشناسی و بالاتر داشته‌اند. در این میان، ۱۸/۸ درصد آنان مدرک کارشناسی ارشد و دکتری داشته‌اند. ۳۹/۶ درصد نیز تحصیلات خود را پایین‌تر از کارشناسی اظهار کرده‌اند که نشان‌دهنده عمومیت تحصیلات جوانان است. ۸۵ درصد از پاسخگویان اظهار کرده‌اند که در طول هفته به مطالعه کتاب و مجله و روزنامه می‌پردازند. نزدیک به ۷۷ درصد از پاسخگویان طبقه اجتماعی خود را متوسط روبه‌بالا گزارش کرده‌اند. ۹۶ درصد پاسخگویان از اینترنت استفاده می‌کردند که میزان استفاده ۶۳ درصد از آنها از اینترنت در طول شبانه‌روز چهار ساعت و کمتر بوده است. از طرفی، حدود ۸۱ درصد در شبکه‌های اجتماعی نیز عضو بودند. حدود ۸۴ درصد از این جوانان از برنامه‌های جدید تلفن همراه از قبیل وایبر و واتس‌آپ استفاده می‌کردند. در باب متغیر نگرش به نقش‌های جنسیتی، اکثر پاسخگویان (۵۴/۷ درصد) نگرش مدرنی به نقش‌های جنسیتی دارند. ۳۸/۹ درصد نگرش متعادل دارند و فقط ۶/۴ درصد از پاسخگویان نگرش سنتی به نقش‌های جنسیتی را قبول دارند. به بیان دیگر، این نتایج گویای اعتقاد به برابری جنسیتی در میان جوانان تحت مطالعه است؛ چراکه آنها دیگر خانه‌داری را یگانه‌وظیفه زن و نیز ایفای نقش‌های متفاوت در اجتماع را صرفاً مخصوص مرد نمی‌دانند، بلکه بر این باورند که هر کدام از این نقش‌ها را هر دو جنس می‌توانند ایفا کنند. تمایل به ازدواج حاکی از میزان

اهمیت این مسئله نزد افراد است. اکثر پاسخگویان (۶۶/۸ درصد) به ازدواج تمایل بینابین داشته‌اند، ۱۸/۸ درصد به ازدواج کردن و متأهل شدن نگرش مثبت داشته‌اند و فقط ۱۴/۴ درصد از اعضای نمونه به ازدواج نگرش منفی نشان دادند.

همسان‌همسری در این پژوهش به‌مثابه متغیر وابسته بررسی شد. همسان‌همسری شاخصی است که در طیفی از همسان‌همسری تا ناهمسان‌همسری سنجیده شده است. همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، افرادی که در این طیف نمره بالاتری بگیرند، نگرش مثبت‌تری به همسان‌همسری در ازدواج دارند. ۲۲/۹ درصد از پاسخگویان نگرش همسان‌گزين داشته‌اند. اکثر جوانان (۶۶/۵ درصد) نگرش بینابین داشتند و ۱۶/۶ درصد نیز از نظر نگرشی ناهمسان‌گزين بودند.

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، درمیان آزمون‌های مقایسه میانگین، فقط رابطه بین دو متغیر جنسیت و نگرش به همسان‌همسری معنادار است. از طرفی، استفاده از اینترنت با سطح معناداری ۰/۷۰۵ و عضویت در شبکه‌های اجتماعی با سطح معناداری ۰/۸۲ رابطه معناداری با همسان‌همسری نداشتند.

جدول ۲. تحلیل‌های یک‌متغیره بین متغیرهای مستقل و تمایل به همسان‌همسری

معنی‌داری	تی	متغیرهای مستقل
۰/۷۰۵	۰/۳۷۵	استفاده از اینترنت
۰/۰۰۰	۷/۹۰۱	جنسیت
۰/۸۲	۰/۲۲۸	عضویت در شبکه‌های اجتماعی
معنی‌داری	اف	متغیرهای زمینه‌ای
۰/۰۱۶	۳/۰۷۶	قومیت
۰/۱۷۳	۱/۶۰۲	تحصیلات
۰/۸۴۳	۰/۴۰۹	طبقه اجتماعی
۰/۳۶۰	۲/۴۲۰	درآمد
۰/۰۰۰	۴/۳۴۰	وضعیت اشتغال
معنی‌داری	ضریب هم‌بستگی	متغیرهای مستقل
۰/۳۶۷	۰/۰۴۸	بعد خانوار
۰/۰۰۱	-۰/۱۸۴	میزان مطالعه
۰/۰۸۵	۰/۰۹۳	میزان نگرش مذهبی
۰/۰۰۰	۰/۲۶۲	میزان نگرش به نقش‌های جنسیتی

بخش دوم جدول ۲، نتایج تحلیل واریانس را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، با توجه به $F=0/076$ و معناداری کمتر از $0/05$ ، تفاوت معنی‌داری میان نگرش قومیت‌های مختلف به همسان‌همسری وجود دارد. میزان درآمد نیز با $F=4/34$ و معناداری کمتر از $0/001$ با همسان‌همسری رابطه دارد.

در بخش روابط هم‌بستگی، نتایج جدول حاکی از آن است که با توجه به ضریب هم‌بستگی $0/184$ ، با سطح معناداری برابر با $0/001$ ، بین میزان مطالعه با همسان‌همسری رابطه معناداری وجود دارد. میزان تمایل مذهبی نیز با ضریب هم‌بستگی $0/262$ و سطح معناداری کمتر از $0/001$ رابطه معناداری با نگرش به همسان‌همسری نشان می‌دهد.

در جدول ۳، تأثیر هم‌زمان متغیرهای مستقل بر نگرش به همسان‌همسری نشان داده شده است. متغیرهای مستقل به کاررفته در این بخش به دو دسته کلی تقسیم شده‌اند: دسته اول، متغیرهای جمعیتی و اقتصادی است که شامل متغیرهای سن، جنس، بعد خانوار، وضعیت تأهل، درآمد، قومیت و وضعیت اشتغال است. دسته دوم، متغیرهای اجتماعی و فرهنگی است که متغیرهای تحصیلات، طبقه اجتماعی، میزان استفاده از اینترنت، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، استفاده از نرم‌افزارهای تلفن همراه، میزان مطالعه، میزان نگرش مذهبی، نوع نگرش به نقش‌های جنسیتی و میزان تمایل به ازدواج را دربرمی‌گیرد. تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته تمایل به همسان‌همسری در جدول ۳ سنجیده و مقایسه شده است.

جدول ۳. مدل تحلیل رگرسیون چندگانه در برآورد تمایل به همسان‌همسری

متغیر مستقل		مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱	
	معنی‌داری	بتا	معنی‌داری	بتا	معنی‌داری	بتا	معنی‌داری
سن	0/394	-0/048				0/769	0/020
جنس (مردبودن)	0/000	0/396				0/000	0/340
بعد خانوار	0/098	0/087				0/474	0/040
وضعیت تأهل (مجردبودن)	0/002	-0/173				0/029	-0/136
درآمد (یک میلیون به بالا)	0/784	0/015				0/882	-0/009
قومیت (فارس بودن)							
لر	0/294	0/054				0/510	0/036
ترک	0/224	0/063				0/166	0/076

بررسی میزان تمایل جوانان ۱۸ تا ۳۰ ساله شهر شیراز به همسان‌همسری و عوامل مرتبط با آن

مدل ۱		مدل ۲		مدل ۳		متغیر مستقل
-۰/۰۱۱	۰/۸۴۰			-۰/۰۰۳	۰/۹۶۱	عرب
						وضعیت اشتغال (بی‌کار بودن)
۰/۱۱۰	۰/۰۹			۰/۱۱۴	۰/۰۶۶	آزاد
-۰/۰۲۶	۰/۶۶۸			۰/۰۱۷	۰/۷۵۷	دولتی
۰/۰۵۸	۰/۳۶۲			۰/۰۵۱	۰/۳۸۴	خصوصی
۰/۰۲۲	۰/۷۵۰			۰/۰۰۰	۰/۹۸۹	دانشجو
						تحصیلات (زیردیپلم)
-۰/۰۱۸	۰/۸۳۰	۰/۰۲۳	۰/۷۸۵			دیپلم
-۰/۰۲۴	۰/۷۹۹	-۰/۰۳۰	۰/۷۳۶			کارشناسی
۰/۰۰۵	۰/۹۵۴	-۰/۰۰۸	۰/۹۱۸			کارشناسی‌ارشد
						طبقه اجتماعی (طبقه پایین)
-۰/۰۳۲	۰/۵۹۵	-۰/۰۵۲	۰/۳۸۲			بالا
۰/۰۴۰	۰/۶۴۲	۰/۰۴۶	۰/۶۰۱			متوسط روبه‌بالا
-۰/۰۷۰	۰/۴۲۳	-۰/۰۳۱	۰/۷۲۳			متوسط روبه‌پایین
-۰/۰۷۲	۰/۲۰۱	-۰/۰۸۴	۰/۱۳۲			میزان استفاده از اینترنت
۰/۰۳۷	۰/۵۳۶	۰/۰۶۶	۰/۲۶۳			عضویت در شبکه‌های اجتماعی
۰/۰۱۳	۰/۸۲۵	-۰/۰۲۷	۰/۶۳۳			استفاده از نرم‌افزارهای جدید تلفن همراه
-۰/۰۸۲	۰/۱۶۵	-۰/۱۰۶	۰/۰۶۳			میزان مطالعه
۰/۰۰۱	۰/۹۹۲	۰/۰۰۵	۰/۹۳۴			میزان نگرش مذهبی
-۰/۱۷۶	۰/۰۰۴	-۰/۲۶۵	۰/۰۰۰			نوع نگرش به نقش‌های جنسیتی
۰/۰۱۴	۰/۸۰۴	۰/۰۶۱	۰/۲۸۲			میزان تمایل به ازدواج
۴/۱۲۱		۳/۱۷۰		۷/۶۸۷		اف

متغیر مستقل	مدل ۳	مدل ۲	مدل ۱
معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
آر	۰/۴۸۶	۰/۳۴۰	۰/۵۲۶
مجذور آر	۰/۲۲۶	۰/۱۱۵	۰/۲۷۶

در الگوی اول، با وارد کردن متغیرهای سن، جنس، بعد خانوار، وضعیت تأهل، درآمد، قومیت و وضعیت اشتغال، تأثیر متغیرهای جمعیتی و اقتصادی بررسی و مشخص شد که جنسیت مرد و مجرد بودن معنادارند و ۲۳ درصد از واریانس تغییرات مدل را تبیین می‌کنند. مجرد بودن، با ضریب بتای ۰/۱۷۳-، بیشترین حد تأثیرگذاری را البته به صورت منفی دارد. به عبارت دیگر، تأهل بیشترین تأثیر را بر داشتن نگرش همسان‌گزینه‌نشان می‌دهد.

در الگوی دوم، بررسی متغیرهای اجتماعی- فرهنگی از قبیل تحصیلات، طبقه اجتماعی، میزان استفاده از اینترنت، عضویت در شبکه‌های اجتماعی، استفاده از نرم‌افزارهای تلفن همراه، میزان مطالعه، میزان پای‌بندی مذهبی، نوع نگرش به نقش‌های جنسیتی و میزان تمایل به ازدواج نشان داد که یگانه‌متغیر نوع نگرش به نقش‌های جنسیتی با مقدار بتای ۰/۲۶۵- بیشترین تأثیرگذاری را دارد. این مدل از ضریب تعیین کمتری برخوردار است و صرفاً ۱۱ درصد تغییرات را تبیین می‌کند.

الگوی سوم، با ورود هم‌زمان تمام متغیرها اجرا شده است. در این مرحله هم سه متغیر مجرد بودن، مرد بودن، و نگرش برابرخواهانه جنسیتی معنادارند که ضریب تعیین بالاتری را نسبت به مدل قبلی نشان می‌دهد.

روشگاه: بحث و نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر، تغییراتی در آمارهای طلاق و ازدواج رخ داده است که ممکن است یکی از عوامل آن تغییرات فرهنگی باشد. افزایش فردگرایی، کاهش اقتدار سنتی و افزایش برابری جنسیتی از تغییرات رخ داده است. یکی از تغییرات ممکن است میزان تمایل به همسان‌همسری باشد. این مطالعه به بررسی میزان تمایل جوانان شهر شیراز به همسان‌همسری و عوامل مؤثر بر آن پرداخت. ابتدا، مطالعات داخلی و خارجی مرور شد. مطالعات انجام‌شده در ایران مؤید آن بود که هرچه همسران در زمینه‌های مختلف شبیه و یکسان باشند، هم‌دلی بیشتری با هم خواهند داشت و در نتیجه، تعارض زناشویی کاهش می‌یابد. نظریه همسان‌همسری و نظریه مدرنیاسیون چارچوب نظری مطالعه در نظر گرفته شد.

نتایج به‌دست‌آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که رابطه متغیرهای میزان مطالعه، نگرش برابرخواهانه درباب نقش‌های جنسیتی و نوع شغل و میزان درآمد با میزان تمایل به همسان‌همسری جوانان معنادار است. در تحلیل رگرسیونی، سه مدل مختلف، برحسب ورود متغیرها به تحلیل، آزموده شد. هر سه مدل برای تبیین تغییرات متغیر وابسته مطالعه معنادار بودند. در مدل سوم، که ترکیبی از دو مدل اول بود، مرد بودن، مجرد بودن، و نگرش برابرخواهانه جنسیتی ۲۷۶٪ تغییرات را تبیین می‌کنند. نتایج حاکی از آن است که نگرش مثبت به برابری جنسیتی تأثیر زیادی در تمایل ناهمسان‌گزینانه جوانان دارد. هرچه پاسخگویان نگرش برابرخواهانه‌ای درباب نقش‌های جنسیتی داشته باشند، به همان اندازه تمایل آنها به ناهمسان‌گزینی بیشتر است و زنان نسبت به مردان و مجردها نسبت به متأهل‌ها ناهمسان‌گزین‌ترند. در واقع، نتایج تحقیق قضیه مفهومی استخراج‌شده از نظریه همسان‌همسری را تأیید می‌کند. این نشان می‌دهد که همسان‌همسری سازوکاری است که به حفظ وضع موجود کمک می‌کند و ارزش‌ها و عقاید سنتی را حفظ می‌کند. از آنجاکه انتخاب همسر سطح کیفیت زندگی مشترک را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد، با توجه به نقش مردان در نهاد خانواده، آنها محافظه‌کارتر و همسان‌گزین‌ترند. در صورتی که با توجه به نظریه ناهمسان‌گزینی "نیاز مکمل" عامل جذب افراد به یکدیگر است. تحقیقات نشان داده‌اند که زنان در مقایسه با مردان اهمیت بیشتری برای وضعیت اقتصادی-اجتماعی قائل‌اند (فینگلد^۱ ۱۹۹۲، به‌نقل از دهکردی، ۱۳۸۶). در واقع، با توجه به محدودیت‌های بیشتر زنان در عرصه زندگی اجتماعی، و قدرت انتخاب کمتر آنان نسبت به مردان، ازدواج می‌تواند برای زنان وسیله مهمی در جهت تغییر وضع موجود و جبران کمبودهای حاصل از اوضاع اجتماعی باشد. زنان اغلب تمایل دارند با مردانی ازدواج کنند که از اوضاع اقتصادی، اجتماعی، تحصیلی و... بهتری برخوردار باشند و همین مسئله سبب افزایش تمایل به ناهمسان‌همسری در میان زنان است، در حالی که مردان اغلب از طریق ازدواج درصدد حفظ وضع موجود و ثبات هستند. درباب نگرش مثبت‌تر متأهل‌ها به همسان‌گزینی، در مقایسه با مجردها، باید به این نکته اشاره کرد که تجربه زیسته افراد متأهل به آنها کمک می‌کند تا واقع‌بینانه‌تر و محتاطانه‌تر به ازدواج و زندگی مشترک نگاه کنند.

به‌علاوه، نتایج این پژوهش قضیه مفهومی مستخرج از نظریه مدرنیزاسیون راه مبنی بر آنکه افرادی که به برابری جنسیتی معتقدند نسبت به افراد سنتی ناهمسان‌گزین‌ترند، تأیید می‌کند.

1. Fingold

جامعه ما از نظر فرهنگی در حال گذر از معیارهای سنتی به معیارهای مدرن است. سنت‌های قدیم ازدواج اغلب در حال دگرگون شدن است و به سمت الگوی خانواده مدرن با ویژگی‌هایی نظیر هسته‌ای بودن، فردمحوری، آزادی در انتخاب همسر و برابری جنسیتی پیش می‌رود؛ در نتیجه، کسانی که دیدگاه برابرخواهانه‌ای در باب نقش‌های جنسیتی دارند، از سنت‌ها فاصله بیشتری می‌گیرند و به انتخاب‌های متنوع‌تر و جدیدتر متمایل‌اند. این افراد بیشتر در پی آن‌اند تا در جهت ارضای نیازهای خود کسی را بیابند که بیشترین خشنودی را برای آنها فراهم آورد. معیارهای سنتی، که اغلب در جهت حفظ وضع موجود و همسانی‌اند، در انتخاب‌های این دسته از افراد نقش کمتری بازی می‌کنند.

منابع

- آزادیان، عذرا و سروش فتحی (۱۳۹۵) «بررسی همسان‌همسری در بین زوجین تهرانی و تأثیر آن بر رضایتمندی از زندگی زناشویی»، زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)، دوره هفتم، ویژه‌نامه: ۸۵-۱۰۴.
- اسکافی، مریم (۱۳۸۰) بررسی عوامل مؤثر بر نگرش افراد متأهل نسبت به همسان‌همسری؛ مورد مطالعه: شهر شیراز، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز.
- اعزازی، شهلا (۱۳۷۶) *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
- حسینخانی نائینی، هادی، مسعود جان‌بزرگی، و مسعود آذربایجانی (۱۳۸۹) «ساخت و اعتباریابی مقیاس انتخاب همسر از دیدگاه اسلام»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، دوره چهارم، شماره ۱، پیاپی ۷: ۳۰-۵.
- علی اکبری دهکردی، مهناز (۱۳۸۶) «بررسی مقایسه ای ملاک های همسرگزینی در دختران جوان شهر اهواز»، دانشور رفتار، دوره ۱۴، شماره ۲۵، ۷۵-۸۳.
- رجبی، غلامرضا، باب‌الله بخشی‌پور و قدرت‌الله عباسی (۱۳۹۲) «بررسی و مقایسه نظریه همسان‌همسری بر اساس ویژگی‌های شخصیتی»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال چهارم، شماره ۴: ۶۷۳-۶۸۹.
- زارعی، محمدمهدی و عبدالکریم عبداللهی (۱۳۸۷) «جایگاه همسانی اخلاقی زوجین در تشکیل خانواده در فقه و حقوق موضوعه»، *فصلنامه فقه و اصول*، دوره ۴۰، شماره ۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰) *درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی*، تهران: سروش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵) *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده*، چاپ دوم، تهران: سروش.
- سالاری، اسماعیل و همکاران (۱۳۹۲) «بررسی رابطه فرهنگ مردسالاری، همسان‌همسری با تعارضات زناشویی در بین دبیران و پرستاران زن متأهل»، زن و مطالعات خانواده، دوره پنجم، شماره ۱۹: ۹۵-۱۱۴.

- شفیعی‌ماسوله، سیده‌سمانه، عباس عسکری‌ندوشن و اکبر زارع شاه‌آبادی (۱۳۹۴) «مطالعه عوامل تعیین‌کننده همسان‌همسری سنی و تحصیلی زوجین (مطالعه موردی: زوجین شهر یزد)»، *جامعه‌شناسی مطالعات زنان*، دوره ششم، شماره ۲۰: ۱۰۹-۱۳۴.
- صادقی، رسول، علی‌محمد قدسی و جواد افشارکهن (۱۳۸۶) «واکاوی مسئله ازدواج و اعتبارسنجی یک راه‌حل»، *پژوهش زنان*، دوره پنجم، شماره ۱: ۸۳-۱۱۸.
- عباسی‌شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴) «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، *زن در توسعه و سیاست*، شماره ۱۱: ۲۵-۴۸.
- عسکری‌ندوشن، عباس، محمدجلال عباسی‌شوازی و رسول صادقی (۱۳۸۸) «مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)»، *مطالعات راهبردی زنان*، دوره یازدهم، شماره ۴۴: ۷-۳۶.
- عزیزی (۱۳۷۷) بررسی رابطه پایگاه اقتصادی-اجتماعی دختران تحصیل‌کرده شاغل بر نگرش آنها در مورد همسان‌همسری، مورد شهر شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز
- قادری، طاهره و سمیه مردانی (۱۳۹۲) «رابطه همسان‌همسری و مطلوبیت روابط زناشویی»، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱۵: ۱۳۶-۹۱.
- کنعانی، محمدمامین (۱۳۸۵) «پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج؛ نمونه: ایرانیان ترکمن»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال اول، شماره ۱: ۱۰۴-۱۲۴.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی، حبیب‌احمدی و مزده ثروت‌خواه (۱۳۹۱) «بررسی همسان‌همسری و رفتار مرتبط با طلاق؛ مطالعه موردی: زنان شهر شیراز»، *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر*، سال ششم، شماره ۱۷: ۶۷-۹۲.
- موسوی، بلادی (۱۳۸۳) «تحصیلات عالی، موازنه جنسی و ازدواج»، *مطالعات راهبردی زنان*، سال هفتم، شماره ۲۶، ص ۲۳۰-۲۸۵.
- هاشمی، سیدضیاء، مجید فولادیان و زینب فاطمی‌امین (۱۳۹۳) «بررسی تجربی دو نظریه رقیب همسرگزینی در ایران»، *تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره هفتم، شماره ۴: ۱۵۷-۱۸۷.
- یوسفی، ناصر و همکاران (۱۳۹۰) «رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و کیفیت زناشویی درمیان افراد متأهل»، *مشاوره کاربردی*، دوره اول، شماره ۱: ۲۱-۳۶.
- Allendorf, K. (2017). Conflict and compatibility? Developmental idealism and gendered differences in marital choice. *Journal of Marriage and Family*, 79(2), 337-355. .
- Buehler, C. J. (1975). *The Marriage Game: Understanding Marital Decision-Making*
- Feingold, A. (1992). Gender differences in mate selection preferences: a test of the parental investment model. *Psychological bulletin*, 112(1), 125

- Figueredo, A. J., Sefcek, J. A., & Jones, D. N. (2006). The ideal romantic partner personality. *Personality and Individual Differences*, 41(3), 431-441.
- Kelley, H. H. (2013). *Personal relationships: Their structures and processes*. Psychology Press.
- Mäenpää, E., & Jalovaara, M. (2013). "The effects of homogamy in socio-economic background and education on the transition from cohabitation to marriage". *Acta Sociologica*, 56(3), 247-263.
- Mu, Z., & Xie, Y. (2014). "Marital age homogamy in China: A reversal of trend in the reform era?". *Social science research*, 44, 141-157.
- Saggino, A., Martino, M., Balsamo, M., Carlucci, L., Ebisch, S., Innamorati, M., & Tommasi, M. (2016). "Compatibility quotient, and its relationship with marital satisfaction and personality traits in Italian married couples". *Sexual and Relationship Therapy*, 31(1), 83-94.
- Winch, R. F. (1955). "The theory of complementary needs in mate-selection: Final results on the test of the general hypothesis". *American Sociological Review*, 20(5), 552-555

